



بحثی مهم‌تر از کرونا این روزها در شبکه‌های اجتماعی جریان داشت: «دو هفته تعطیلی تهران عالی‌ه، فقط زحمت بکشید در رابطه با تأمین هزینه‌هایی که به بخش خصوصی تحمیل شده هم تمهیدی داشته باشید»، «به ادعای سخنگوی وزارت بهداشت، امروز ۳۶۵ نفر بر اثر کرونا جان باختن». با فرمول حریرجی ۸۰۳ نفر فوت کردن. حالا فردا ستاد ملی مقابله با کرونا محدودیت‌ها پایتخت شدند، بحث‌ها درباره کرونا



فیلم کوتاه رباعی دنیای تصویر است

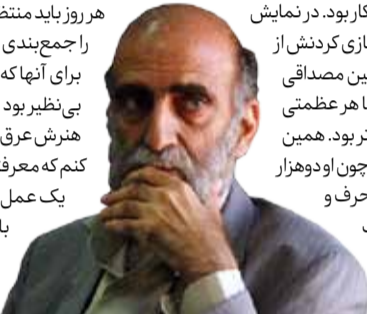
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیامی را به مناسبت برگزاری سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران منتشر کرد و در این پیام فیلم کوتاه را رباعی دنیای تصویر دانست. در پیام کوتاه سیدعباس صالحی آمده است: «فیلم کوتاه، رباعی دنیای تصویر است. ایرانیان، پیشতازان دوبیتی‌های جهانند. آینده فیلم کوتاه نیز چنین خواهد بود.»

پیام سید عباس صالحی به جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران

کارگردان «باغ آلبالو» از آشنایی و همکاری با کریم اکبری مبارکه می‌گوید

دو هزار سال از تاریخ جلوتر بود

خودش جلوتر بود و می‌دانست چه می‌خواهد و چه نمی‌خواهد. حس من به کریم این‌طور بود. دلیل نمی‌خواهد که کریم اکبری مبارکه دو هزار سال جلوتر از تاریخ بود. این حس و شناخت من درباره آدمی است که صد درصد درست بود. کریم آدم بزرگی بود و مهربانی و افتادگی اش حد و مرز نداشت. هم به‌لحاظ فنی و هم به‌لحاظ اخلاقی آدمی بود یگانه که شبیه و ماندندی نداشت یا اگر دارد آنقدر کم است که رفتن کریم فقدان رفتن این آدم‌های یگانه را بیش از پیش مهم و جدی می‌کند. چه در سینما و چه در تئاتر در اکثر نقش‌هایی که بازی کرد خوش درخشید و از خودش چهره‌ای درست مثل آنچه در واقعیت زیست انسانی‌اش هم بود ارائه داد. هر جا که وارد می‌شد با خودش هزاران هزار انرژی مثبت می‌آورد و خنده‌اش به هر چیزی روح می‌داد. قبلاً هم نوشتم که همکاران من می‌گفتند زنجانیور زودتر از همه سر تمرین «باغ آلبالو» می‌آید اما واقعیت این نبود. کریم بود که از من هم زودتر می‌رسید و همیشه هم خنده‌ای گوشه لبش داشت و وقتی کار شروع می‌شد چنان جدیتی از خودش نشان می‌داد که آدم کیف می‌کرد. حیف... حیف... آدم چه بگوید که حرف‌هایش شعاری و کلیشه‌ای نشود. به هر صورت این روزگاری است که ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم و همان‌طور که گفتم هر روز باید منتظر خبری باشیم از رفتن عزیزترین‌هایمان. نکته‌ها را جمع‌بندی کنم و باز هم هزاران بار روی این مسأله تأکید کنم برای آنها که کمتر کریم اکبری مبارکه را می‌شناسند. او بازیگری بی‌نظیر بود و سال‌های سال از دوران خودش جلوتر بود. برای هنر شن عرق می‌ریخت و هیچ‌کم نمی‌گذاشت. این را هم اضافه کنم که معرفتش را به یادم می‌آورد. چندی پیش من برای انجام یک عمل جراحی در بیمارستان بستری بودم. یک‌دفعه در بازو شد و دیدم که کریم اکبری وارد شد و تمام موزه‌ای جهان را برای من خریدبه بود و آورد بیمارستان برای عیادتم.



ماه‌ها در بیمارستانی که سنتر کرونا بوده خدمت کرده، صحبت می‌کردم. جمله‌ای گفت که لرزه بر تن آدمی می‌اندازد. می‌گفت: بیمارانی در ICU بودند که زنده زنده می‌مردند! اگر هر کدام از ما یقین داشتیم که مرگ فقط برای همسایه نیست کمی به خودمان رحم می‌کردیم»، «توانیستا همه عروسی و تولد و پارتی دعوتن بعد میگن چرا کرونا زیاد شده».

پیش از آغاز در پاریس برای خروج شکل گرفت.

قانون گریزی ما ایرانی‌ها در این مورد به علم ستیزی تبدیل شده و به جان خود و دیگران رحم نمی‌کنیم»، «چه جوری می‌شه در طول هفته مبارز و منتقد بود و از کرونا و رعایت نکردن و نبود محدودیت‌ها گفت، بعد هر آخر هفته و تعطیلی بدون استنادا در سفر؟! چرا بعضیا خودشن روتافته جدا بافته می‌دوتن؟!»، «با یکی از پرسرستانی که

بررسی امواج پست‌مدرن از نگاه علیرضا سمیع آذر

علیرضا سمیع آذر سال‌هاست درباره «هنر نوین ایران و جهان» می‌نویسد، نویسنده و پژوهشگر هنر که به‌تازگی کتابی با عنوان «امواج پست‌مدرن» روانه کتابفروشی‌ها کرده است. این کتاب که سومین جلد از مجموعه تاریخ هنر معاصر جهان به شمار می‌آید با همکاری نشر نظر در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

اما تعریف پست‌مدرنیسم آن‌طور که در کتاب هم دربردارنده جریان‌های پراکنده‌ای است به‌منظور‌هایی از محدودیت‌ها هنر مدرنیستی پدیدار شدند. جریان‌هایی که اغلب بر ظرفیت‌های معنا شناختی اثر هنری متمرکز شده و تعامل روشنفکرانه‌تر با مخاطب و دوری از تأثیرگذاری‌های احساسی و روانی را درپیش گرفته‌اند.

سمیع آذر بعد از ذکر توضیحات بیشتری درباره به چالش کشیده شدن پارادایم مدرنیسم در سال‌های اولیه‌اش به فراگیری رویکردهای مشابهی در آمریکا، اروپا و حتی آسیا اشاره کرده‌است: «مشخص شد که هنر پاپ بیش از هر جریان دیگری در قامت موج اصلی و محوری هنر پست‌مدرن ظاهر شده است. اگر چه ظهور هنر پاپ در آمریکا رقم خورد، اما حالا می‌توان جلوه‌های مختلفی از آن را در دیگر نقاط جهان نیز مشاهده کرد.»

او در جای دیگری توجه خواننده را معطوف به این نکته کرده که پست‌مدرنیسم فاقد بیانیه روشن و مبانی نظری قابل تحلیل است و به‌جای یک موج مشخص قابل شناسایی، امواجی متنوع با رویکردهای گوناگون را در برمی‌گیرد. اما نکته جالب اینکه امواج مذکور را تا حدی نتیجه‌توسعه فرهنگ شهری و زیبایی‌شناسی همگانی عنوان کرده که در عین‌حال تحت تأثیر عرصه‌های دیگری چون مد، رسانه، تبلیغات و بر فرآیندهای هنری نیز هستند. از جمله هنرمندانی که آثارشان در فصول مختلف این کتاب بررسی و نقد شده‌اند، می‌توان به روی لیکن‌استاین، اندی وارهول، کلاس اولدنبرگ، دیوید هاکنی، گرهارد ریشتر، سیگمار پولکه، کریستو و دیمن هرست اشاره کرد.



تنهاکاری که باید انجام دهیم این است که درک کنیم همه‌مان بنابه دلیلی به این جهان آمده‌ایم که باید نسبت به آن خود را متعهد کنیم. آن‌گاه است که می‌توانیم بر هنج بازی بزرگ و کوچک خود بخندیم و بدون ترس پیش برویم و آگاه باشیم که در هر گام ما مقصودی و منظوری نهفته است.

در تقویم امروز نام چهره‌های بزرگ سینمای ایران و جهان را می‌بینیم که متولد امروز هستند یا در چنین روزی درگذشته‌اند و این بهانه‌ای است برای مروری کوتاه بر زندگی و کارشان.

مرتضی احمدی: بازیگر و صدایسینه سینما و تلویزیون سال ۱۳۰۳ در چنین روزی به دنیا آمد. مرتضی احمدی ابتدا در تئاتر آماتوری فعالیت می‌کرد و از سال ۱۳۲۲ با پیش پرده‌خوانی کارش را جدی‌تر دنبال کرد. او برای اولین‌بار به سبک بیات تهران پیش‌برده‌ها را می‌خواند و پس از آن به رادیو دعوت شد که ترانه‌های عامیانه او مانند «کارگرم من» بسیار مورد توجه قرار گرفت. اواز سال ۱۳۲۳ در رادیو تهران و برنامه‌های کمدی‌اش فعالیت می‌کرد اما پس از کودتای ۲۸ مرداد بازیگری را کنار گذاشت و به اهواز رفت. ۷ سال بعد به تهران بازگشت و کارش را با بازی در سریال‌های «سلطان صاحبقران»، «هفت شهر عشق» و «آیینه و زیربازارچه» ادامه داد و سال ۱۳۴۹ به دعوت علی حاتمی ترانه عنوان‌بندی فیلم «حسن کچل» را اجرا کرد که بسیار هم مورد توجه قرار گرفت. البته همچنان به کار در رادیو هم ادامه می‌داد و سال ۱۳۵۶ با اجرای نقش‌های مختلف و خواندن ترانه‌هایی در سبک‌های مختلف به عنوان محبوب‌ترین هنرپیشه رادیو انتخاب شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی احمدی در فیلم‌های «مردی که زیاد می‌دانست»، «اتوبوس»، «ارنشین»، «خانه خلوت»، «عروسی خون»، «کلاه قرمزی و پسر خاله» و «سرحد» و سریال‌های «آرایشگاه زیبا»، «تعطیلات نوروزی»، «فرهنگشاه»، «خانه پدری» و «زیرگذر» بازی کرد. مرتضی احمدی صدایسینه شخصیت‌هایی به یادماندنی مانند رویه مکار در «پینوکیو» بود و با علاقه‌اش به شهر تهران و خواندن ترانه‌های عامیانه این شهر هم شهرت داشت. اوسال ۱۳۹۳ درگذشت.

پیتر جکسون: کارگردانی که با ساخت فیلم «اریاب حلقه‌ها» شناخته می‌شود سال ۱۹۶۱ به دنیا آمد. پیتر جکسون از کودکی به سینما علاقه داشت و پس از اینکه نسخه سال ۱۹۷۸ «اریاب حلقه‌ها» را دید این علاقه بیشتر شد. او ابتدا عکاسی می‌کرد و فیلم کوتاه می‌ساخت تا اینکه یک فیلم کوتاه کم‌دی به نام «بهمن» ساخت که در سال ۱۹۸۷ در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و به سرعت به ۱۲ کشور فروخته شد. «فیبلز» دیگر فیلم جکسون بود که مورد توجه قرار گرفت و پس از آن هم «مرده مغر»، «موجودات آسمانی» و «اترس افریقان» را ساخت. با علاقه‌ای که از جوانی به داستان «اریاب حلقه‌ها» داشت موفق شد سال ۱۹۹۷ امتیاز فیلمسازی این داستان را بگیرد و سه‌گانه‌ای که برای این داستان ساخت باعث شهرت جهانی جکسون شد. «دو برج»، «بازگشت شاه»، «کینگ کنگ»، «استخوان‌های دوست داشتنی»، «منطقه ۹» و سه‌گانه «هابیت» دیگر فیلم‌های مطرح پیتر جکسون در این سال‌ها بوده‌اند. او برای «بازگشت شاه» و «منطقه ۹» برنده جایزه اسکار شده و قسمت سوم «اریاب حلقه‌ها» تنها فیلم تاریخ سینماس‌ت که در تمام رشته‌هایی که در اسکار نامزد بود برنده این جایزه شد. **❖ یاد اسینسز** بازیگر و کم‌دین آمریکایی و **علی سلیمانی** بازیگر هم متولد امروز هستند.

فدریکو فلینی: کارگردان نامدار ایتالیایی سال ۱۹۹۳ در چنین روزی درگذشت. فدریکو فلینی متولد سال ۱۹۲۰ بود و از کودکی به تئاتر و نمایش علاقه داشت اما کارش را با روزنامه‌نگاری و کشیدن کاریکاتور آغاز کرد. کارش در سینما هم با نوشتن طنز برای بازیگری به نام آلدو فابریزی آغاز شد و سال ۱۹۴۵ همین بازیگر او را با کارگردان بزرگ ایتالیا یعنی روبرتو روسلینی آشنا کرد. فلینی برای نوشتن فیلمنامه فیلم معروف «رم شهر بی دفاع» با روسلینی همکاری کرد و دستیارش شد. سه سال بعد هم روسلینی فیلم «شیدایی» را براساس داستانی از فلینی ساخت اما نخستین فیلمی که خودش کارگردانی کرد در سال ۱۹۵۱ به نام «روشنایی‌های وارنیه» ساخته شد. فیلم «ولگرد» و «شهر با فلینی آشنا شود و پس از آن فیلم «جاده» برایش موفقیت زیادی به همراه داشت. شاخص‌ترین اثرهای فلینی یعنی «زندگی شیرین» و «هشت و نیم» در اوایل دهه ۶۰ میلادی ساخته شدند و پس از آن هم «جولیئای ارواح»، «ساتیریکون فلینی»، «دلک‌ها»، «آماگورد»، «شهر زنان»، «وکنشتی به راهش ادامه می‌دهد»، «جینچرفرد»، «مصاحبه» و «آوای ماه» را ساخت که چند فیلم آخرش با شکست مواجه شد.

❖ **موشنگ بهشتی** بازیگر و **ریور فینیکس** بازیگر آمریکایی هم در چنین روزی درگذشتند.



غرق شدن یک خانواده پناهجوی ایرانی در کانال ماشن فرانسه همه را متأثر کرد. محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم «درخت گردو» دیروز با انتشار عکس‌ها و فیلم‌هایی از تست انتخاب بازیگر برای این فیلم در اینستاگرامش اعلام کرد «آنی‌تا این‌ترا نزد» دختری که همراه خانواده‌اش غرق شد یکی از دخترانی بود که برای بازی در نقش «شهین» فیلم «درخت گردو» تست داده بود. مهدویان نوشت: «یکی از نقش‌هایی که در بی بازیگرش بودیم، نقش شهین دختر شش، هفت ساله فیلم بود. به دختر عکس دوم نگه کشید؛ به چشم‌هایش. ترکیبی است از رنج و در عین حال زیبایی و امید. این دختریکی از چند گزینه نهایی ما بود، در کنار چند دختر زیبا و معصوم دیگر که هر کدام به امیدی خودشان را به ما می‌رسانند تا شاید با رخ کشیدن استعدادشان برای چند نفری که از تهران آمده‌اند آینده‌ای برای خود جست‌و جو کنند. او در نهایت انتخاب نشد و نقش به‌ئینا رسید. اما اگر تصویر دختر برایتان آشناس‌ت حق دارید. مهدویان در صفحه اینستاگرام خود ویدئو‌هایی را منتشر کرده و نوشته‌است اینها ویدئوهای کوتاهی هستند از تلاش آنی‌تا برای به‌دست آوردن نقش. بله. نام این دختر آنی‌تاس‌ت: آنی‌تا این‌ترا نزد. اگر این نام برایتان آشناس‌ت باز هم حق دارید. آنی‌تا تو نام اعضای خانواده‌اش در راه مهاجرتی پرخطر از ایران، در آب‌های سرزمینی غریبه‌ترم شده‌اند. از دیروز با ابرهیم و بخصوص امیرحسین که آخرین تست‌ها تمرین‌ها را با آنی‌تا انجام داده بود، مدام تصویر اشک‌های آنی‌تا را مرور می‌کنند و غصه می‌خورند و من به‌فامیلی این خانواده فکر می‌کنم. چه‌وجه تسمیه عجیبی است.»

